



# نظریه پیدایش زبان

زبان در ساده ترین تعریف اصوات خاصی است که افکار معانی ذهنی متکلم را به شنونده منتقل می کند این جنی از علمای قدیم عرب در باب سخن از زبان و ماهیت آن می گوید: «و أما حَلَّهَا فَأَصْوَاتٌ يُعْبَرُ بِهَا كُلُّ قَوْمٍ عَنْ غَرَضِهِمْ، هَذَا حَلُّهَا.» این تعریف جامع و مانع است. زبان وسیله و اصواتی است که با تعدد و اختلاف آن، از اغراض و افکار متکلم تعبیر می کند. این حاجب در مختصر خود می گوید: «حَدَّ اللُّغَةَ كُلَّ لَفْظٍ وَضِعَ لِمَعْنَى.» آسنوی در شرح منهاج الاصول می گوید: «اللغات عبارة عن الألفاظ الموضوعه للمعاني.»<sup>۱</sup> دو تعریف اخیر نسبت به تعریف ابن جنی زبان را الفاظی می داند که بر معنایی وضع شده است بدون توجه به اینکه زبان تعبیری از معنی و ادای غرض معین است. علم جدید ثابت نموده که حیوانات نیز زبانی دارند که با آن حرف می زنند که در دیدگاه ابن حاجب و آسنوی مورد توجه نبوده است. ابن خلدون از این دو دقیق تر تعریف می کند: «إعلم أن اللغة في المتعارف هي عبارة المتكلم عن مقصوده و تلك العبارة فعل لسانی فلا بد أن تصیر ملكة مقدرة في العضو الفاعل لها و هو اللسان و هو في كل أمة بحسب اصطلاحاتهم.»<sup>۲</sup> با این تعاریف و سایر دیدگاهها، زبان در دو شکل گفتار و نوشتار و وسیله عجیبی برای انتقال چیزهایی که در حواس ما قرار می گیرد به ذهن است هر چیزی که در دنیا روی می دهد چه در طبیعت و چه در جامعه به شکل شگفت آوری از طریق نوشتن و گفتن به ذهن منتقل می گردد و این انتقال نسل به نسل ادامه دارد. پس زبان پلی است که بین زندگی و فکر ارتباط برقرار می کند و چندان قابل اهمیت نیست که بدانیم کلمه «لغة» (= زبان) بر وزن «فعللة» از «لَعَوْتُ» یعنی تكلّم و اصل آن «لغوة» می باشد. برخی بر نقل و اخبار اعتقاد دارند و بعضی بر منطوق تکیه دارند و دسته ای تابع علم زبان شناسی جدید هستند. بهرحال نظریات زبان شناسان را می توان به دسته های زیر تقسیم بندی کرد:

۱. توقیف یا الهام: این نظریه زبان را نتیجه الهام الهی می داند که به بشر الهام شده است و انسان توانسته با این الهام بیان و اسمهای اشیاء را یاد بگیرد. از جمله معتقدان این نظریه فیلسوف معروف یونانی «یوهان هیراکلیت» و برخی از دانشمندان هندی هستند که معتقدند زبان قدیمی و موهبت الهی است و از ساختار بشر نیست و تصریح دارند که معنای اساسی لفظ از طریق اصطلاح و قرارداد نبوده بلکه از راه الهی بوده است. در این نظر یونانیان اختلاف دارند که آیا پیدایش زبان طبیعی است یا

فانی (موراد، جازنهای آموزشی، نرم افزارهای رایانه ای، و سایر سمعی و بصری ... با معرفی نمونه کار

۳- بررسی نظرات دانش آموزان در خصوص انتظاراتی که از معلمان عربی خود دارند و پاسخ دیدگاه معلمان به این انتظارات

۴- مقالات علمی شامل: جبر، مستون افسانه، مکالمه و زبانشناسی و ...

۵- پرسش و پاسخ علمی (اسئله و اجوبه)

۶- بررسی روش های آموزش ترجمه از عربی به فارسی و بالعکس

۷- دانش افزایی در مورد موضوعاتی که در کتابهای صورت مریز مطرح شده است

۸- ترجمه تطبیقی در مورد ادبیات بجا صر و معرفی شعرای متعهد قدیم و جدید جهان عرب

۹- نقش دانشمندان ایرانی در شکوفایی زبان عربی و معنی لغات عربی که به زبان و ادب عرب تقدیم داشته اند

۱۰- معرفی کتابهای جدید و فارسی برای استفاده معلمان

۱۱- تهیه متون جذاب، لطیف ادبی، متنوعات و ...

۱۲- تهیه جدول زبان عربی

۱۳- ارزشیابی و نقد و بررسی سوالات امتحانی و اصول ارزشیابی

۱۴- مصاحبه با استاد و دبیران مجرب زبان عربی

۱۵- گزارش گزارش از روش تدریس نوین همکاران

۱۶- سایر گزارشات ادبی در سطح استان، شهرستان و مناطق تابعه و ارائه گزارش برای شرح در نشریه

۱۷- ارائه گزارش از فعالیت گروه های آموزشی زبان عربی در مراکز استانها، شهرستانها و مناطق تابعه جهت درج در نشریه

لازم به توضیح است مقالات ارسال شده پس از تأیید هیأت تحریریه به نام نویسنده مقاله چاپ و حق الترجمة آن نیز به نحو مقتضی پرداخت خواهد شد

در پایان ضمن آرزوی موفقیت و بهر روزی برای شما همکاران گرانقدر، بر خود فرض می دانیم پیشاپیش از تلاش پیگیران برای غنا بخشیدن به جامعه تعلیمی و تحقیقی کشور و استان را به گرمی می فشاریم و منتظر بازمان هستیم

محل یادداشت شماره ۱

# نگاه علمای عرب زبان

دکتر بتول علی نیا - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و مدرس دانشکده فرهنگیان شهر باهنر

**قراردادی؟ گروهی از عربهای مسلمان از جمله احمدبن فارس در نظر او قبول دارند که «إِنَّ لُغَةَ الْعَرَبِ تَوْقِيفٌ».** دلیل توقیفی بودن زبان را آیه شریفه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» می دانند. ابن عباس می گوید: به انسان همه اسمها را یاد داد و مجاهد نیز معتقد است «عَلَّمَهُ اسْمَ كُلِّ شَيْءٍ» و دیگران گفته اند: «إِنَّمَا عَلَّمَهُ أَسْمَاءَ الْمَلَائِكَةِ». با توجه به این اندیشه ها در اینکه زبان عربی توقیفی است نه اصطلاحی مبالغه می شود.

بر سر اینکه زبان الهام الهی و توقیفی است بسیار بحث می شود و به این دلیل تکیه دارند که برای درستی یا نادرستی سخن به اشعار گذشتگان استناد می شود و این کار قراردادی و اصطلاحی بودن زبان را رد می کند. ابن فارس این ایده را نمی پذیرد و معتقد است استناد و یا عدم تکیه بر زبان اولیه عربی و اشعار آنها دلیل ضعیفی بر توقیفی بودن زبان است چون هدف از این استدلال حفظ زبان از خطاست و دور کردن آن از آمیختگی با زبانهای دیگر است. وی می گوید اگر گمان شود زبانی که بر توقیفی بودن آن دلیل آوردیم یک جا و یک زمان آمده، اینگونه نیست بلکه خداوند متعال در ابتدا، حضرت آدم(ع) را قدرت بخشید تا آنچه در زمان خود نیازمند است بداند و یاد بگیرد و بعد از آن پیامبران جداگانه آنچه خواستند آموختند تا اینکه نوبت به حضرت محمد(ص) پیامبر مان رسید و خداوند متعال به او آنچه را داد که قبلاً کسی را نبخشیده بود. بهترین زبان آن زمان و برترین آن را که تاکنون برای انسانها قرار داده است. ابن جنی یک روش و نظر را دنبال نمی کند و در این امر مردد است سعی دارد آیه ها را طوری استخراج کند که احتمال توقیفی بودن پیدایش زبان وجود نداشته نباشد و همچنین احتمال دیگری نباشد. وی آیاتی که دال بر آموزش و پیدایش زبان است را به شکلی تعبیر و تفسیر می کند که نتیجه اش به توقیفی بودن زبان برمی گردد. اما سیوطی فقط نقل سخن می کند بدون اینکه دخل و تصرفی داشته باشد. وی خواسته موضوع پیدایش زبان را آشکار کند و قصد القاء و اثبات ایده ای را نداشته است. سیوطی در طرح سؤال آیا زبان عربی وضع الهی دارد یا توسط بشر است سه مذهب را در نظر دارد یکی از این اندیشه ها مربوط به مذهب اشعری است. این مذهب قائل به قراردادی بودن زبان است. و در این اختلاف نظر وجود دارد که آیا این علم با وحی به پیامبری از میان پیامبران رسیده یا با خلق آصواتی در برخی چیزها که دلالت بر زبان می کند بوجود آمده است؟ و یا اینکه علم ضروری

در برخی از بندگان خلق شده است؟ مذاهب سه گانه مورد نظر سیوطی به آیه شریفه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» نظر دارند، اینکه خداوند به آدمی اسمهایی را آموخت، اسم فرزندان و حیوانات را از طریق وحی یاد داد و اینگونه آیه شریفه را تفسیر می کنند. خداوند اسم هر چیزی را به آدم الهام کرد و آموزش خداوند متعال دلالت دارد که واضح غیر بشر است. ابن جنی و شیخ وی ابوعلی فارسی - که هر دو معتزلی هستند - بر این نظرند. سیوطی نظر اشعری را در توقیفی بودن زبان و در تأیید درستی مذهب ابن جنی و ابوعلی فارسی بیان می کند. باید توجه داشت توقیفی بودن به آن معنا نیست که خداوند زبان را فقط به پیامبری وحی نموده بلکه علم ذاتی توسط خداوند متعال در سرشت انسانها قرار داده شده که اصوات اجسام را می شنوند و می شناسند و بوسیله آن اصوات کلام را می فهمند و همه این امور شکلهایی از توقیف الهی است. علاوه بر آیه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» مفسرین و فقهای اشعری و دیگران به دو آیه شریفه دیگر توجه نموده اند و توقیفی بودن زبان را تصریح کرده اند. و این هی ایلا اسماء سمیتوها» و «مِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافِ السَّمْتِكِ وَالْأَوَانِكِ». دلیل چهارم آنها دلیل عقلی است. در پاسخ به دلیل دوم که به آیه «إِنَّ هِيَ إِلَّا اسْمَاءُ سَمِيْتُمْهَا» استناد می شود باید اشاره کرد مقصود و مورد اشاره آیه شریفه زبان و پیدایش آن نبوده بلکه اسم هایی که عربها بکار می بردند و با عقیده اسلامی و روش الهی منافات داشته مورد نظر است. و همچنین در آیه «واختلاف السمتمك» خلاصه سخن اینکه صاحبان اندیشه توقیفی بودن زبان دلیل عقلی محکمی ارائه نمی دهند دلایل آنها نقلی و احتمال تأویل در آن است حتی دلیل صریح بر ادعای آنها با استناد به آیه و علم آدم كلها احتمال معنای دیگر دارد همانگونه که ابن جنی در الخصائص ذکر کرده اینکه خداوند متعال انسان را بر وضع الفاظ توانا نمود.

۲. **تواضع و اتفاق:** پیروان این نظریه برخلاف نظر توقیفی بودن عقیده دارند زبان از طریق وضع و قرارداد بوجود آمده و الفاظش یک دفعه پدیدار گشته است. از پیروان این نظریه فیلسوف قدیمی یونان «دیموکریس» (قرن ۵ ق. م) و هندیان قدیم هستند برخی علمای مسلمان نیز از جمله ابن جنی با توجه به یکی از گفته هایش و ابوعلی فارسی در تأویل سخنش بنا به گفته اسفرائینی و ابن خلدون دارای این نظریه هستند. سیوطی بدون پیروی از ایده ای نظریه های مختلفی را بیان می کند. شاید سؤال

کنید چگونه در قسمت **توقیف و الهام** این جنی از معتقدان نام برده شد اما در تفسیر آیه و **علم آدم الاسماء** کلمات اشاره نمودیم که این جنی معنا می کند که خداوند انسان را توانا بر وضع الفاظ کرد. پس از این معنا قرار داد **وضع توسط بشر** انکار نمی شود. اخفش نظر بسیار معقول و منطقی دارد که در گفتگو با ابن جنی بیان می کند. ابن جنی نظر او را قبول کرده می گوید زبان بطور کلی در یک زمان وضع نشده بلکه تدریجی بوده است چه اعتقاد به توقیف باشد یا اصطلاح.

اخفش این جنی را آگاه می کند که زبان در ابتدا وضع خداوند یا بشر بوده سپس در طول زمانها و دوره ها رشد یافته و شکوفا شده است. طرفداران نظریه اصطلاح (قراردادی بودن زبان) به آیات الهی استناد نکرده اند بلکه دلیل نقلی آورده اند که اگر زبانها توقیفی بود باید واسطه بعثت بر توقیف مقدم می شد و تقدم هم باطل است. به دلیل سخن خداوند متعال **«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُلٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ»** اقتضای تقدم زبان بر بعثت بیان می گردد. دلیل دیگر اینکه اگر زبانها توقیفی بودند لازم بود خداوند متعال علم ضروری به وضع الفاظ را در عاقل و غیر عاقل خلق می کرد یا اینکه اصلاً علم ضروری را خلق نمی کرد. دلیل اول باطل است چون باید عاقل ضرورتاً عالم به خدا باشد. در این صورت تکلیف از انسان برداشته می شود. مورد دوم هم باطل است چون غیر عاقل تسلط بر تمام الفاظ را قادر نیست. و سومین هم باطل است برای اینکه علم به آن وقتی ضروری نباشد به توقیف دیگری نیازمند می شویم که آن تسلسل را بدنبال دارد.<sup>۵</sup>

در این توجیها و پاسخگویی به آنها، عبارات تسلسل و باطل و علم ضروری و عاقل و تکلیف از جمله اصطلاحات منطقی ها و اصولی هاست نه از بحث لغویون، به همین دلیل مسأله جز جدل ساختگی نیست. گذشته از معتقدان قدیمی اصطلاحی بودن زبان، در زمان حاضر شخصیت‌هایی چون «آدام اسمیت، راید و دو جلد استراتر» از جمله فیلسوفان و پژوهشگران غربی به نظریه اصطلاح اعتقاد دارند. از میان عرب زبانان «جرجی زیدان» را می توان نام برد وی اصطلاح را به «اکتساب» تعبیر و معنا می کند. وی می پرسد آیا زبان ضروری توقیفی است یا اکتسابی اصطلاحی؟ سپس بیان می دارد که انسان رشد می یابد و بر زبان قومنش حرف می زند اگر در قوم دیگری بود زبانش تفاوت داشت و اینگونه به نتیجه می رسد که زبان اکتسابی اصطلاحی است و مسأله بسیار روشن است. برداشت جرجی زیدان در معنای اصطلاح کاملاً با نظر دیگر لغت شناسان عرب تفاوت دارد. آنان اصطلاح را اجتماع حکماء و اتفاق آنها بر وضع اسم بر لفظ مورد نظر است در حالی که اکتساب چیزی است که علم زبان شناسی جدید آن را تعیین می کند و از اصطلاح و تواضع دور است. خلاصه اینکه این نظریه محتاج سند عقلی

و یا حقیقت تاریخی مورد اعتمادی است. نظمی که در زبان وجود دارد اشاره دارد که زبان از عدم و یک دفعه بوجود نیامده بلکه بتدریج و خودکار دچار نظم شده و پخته و کامل گشته است.

۳. تقلید صداهای طبیعی: در کنار دو نظریه فوق یک ایده قدیمی وجود دارد که فلاسفه قدیم به آن روی آورده اند از جمله خلیل و ابن جنی. این نظریه قائل است که زبان به تقلید از صداهای طبیعی چون رعد و برق و صدای حیوانات و حرکات طبیعی مثل خنده، گریه و ... پدیدار شده است. و بعد از پیدایش آن با پیشرفت و تکامل عقل انسان و تمدن و نیازهای بشری استوار و مرتب شده است. از معتقدین معاصر عرب می توان مصطفی صادق الرفعی و علی عبدالواحد وافی را نام برد. رافعی می گوید نزدیکترین چیزی که درستی آن به گمان می رسد اینکه صداهای حیوانی نمونه های قابل تقلید در زبان انسان است چون صداهای آنها دور و بر انسان را پر کرده و مخصوصاً در ابتدای زندگی جمعی انسان و در گریه های با حیوانات برای ادامه حیات خود او را به چاره اندیشی می اندازد و برای بیان حالات خود خشم و درد و ترس و غیره از صداهای حیوانات تقلید می کند و این آغاز اختراع زبان است. بعد از پیشرفت جامعه بشری اختراع حقیقی زبان شروع می شود.<sup>۷</sup> اما علی عبدالواحد وافی این نظریه را نسبت به بقیه آراء درست تر و معقولتر می داند و معتقد است با طبیعت کارها و سنتهای رشد و نمو مطابقت بیشتری دارد. می گوید کودک در هنگام سخن گفتن از صداهای طبیعی تقلید می کند و کم کم زبان را می آموزد. انسانها هم در ابتدای پیدایش زبان اینگونه بوده اند و کم کم زبان پیشرفت کرده است. پیروان این نظریه بسیارند.

۴. وقف: مقصود از وقف عدم آگاهی آدمی به پیدایش زبان است. و دلیلی بر پیدایش یک دفعه زبان وجود ندارد. سیوطی بیان می کند مذهب سوم وقف است یعنی معلوم نیست آیا زبان وضع الهی است یا بشری؟ به خاطر اینکه دلیل قاطعی بر آن وجود ندارد.<sup>۸</sup> این نظریه را سیوطی به توهم از گفته های ابن جنی گرفته در حالی که مورد نظر وی نبوده است. به دلیل ضعیف بودن این نظریه در میان معاصرین طرفدارانی وجود ندارد چون تصور و تداعی فکر در آن سست است و از طبیعت یادگیری زبان دور است.

۵. غریزه خاص یکسان: نظریه پنجم قائل به این است که در غریزه آدمی این قدرت نهاده شد، او برای تعبیر از درک حسّی و معنوی خود از الفاظی خاص استفاده کرده، این غریزه در طول تاریخ پیدایش زبان در وجود انسان بوده است. به همین دلیل مفردات لغوی در ابتدا یکسان بوده و راههای تعبیر شبیه به هم بودند. بعد از رشد زبانهای مختلف آدمی این غریزه را ندیده

گرفت.<sup>۱</sup> عبارت روشنی از گذشته برای ما نرمیده فقط در تفسیر «علم آدم» اشاره می شود که خداوند آدمی را بر وضع زبان توانا کرد و این توانایی هم خلق غریزه درونی اوست. از مجموعه آراء بگذریم باید معترف شویم که موضوع پیدایش زبان از گذشته تاکنون ذهن علمای لغت شناسی قدیم و جدید را مشغول کرده، آراء زیاد دلیل بر این است. نظریات مختلف هر کدام رنگ خاصی دارد گاهی بوی فلسفه می دهد گاهی مظهر تدین است و احياناً بحث علمی کامل و دقیقی می شود. اگر زبان را پدیده اجتماعی بدانیم مهمترین و بزرگترین پدیده هاست. ولی انسان در چگونگی تکلم و راه رفتن و خوردن فکر نمی کند او با توجه به نیاز فطری خود در جامعه و برقراری ارتباط و تفاهم و تبادل فکر خودکار و بدون مقدمات از سلاح زبان استفاده می کند تا از آنچه در فکر و خیال خود می گذرد تعبیر کند، به همین دلیل زبان خود را حرکت می دهد و اصوات اولیه را از دهان خود بیرون می آورد و این پیدایش زبان را پدیده دارد. این پدیده در میان سایر ملل نیز قابل توجه و تأمل است. هندیان به این نتیجه رسیده اند که اختراع زبان به نیاز انسان برمی گردد با توجه به نظریات زیادی که مطرح شده، حرکت دستگاه تکلم دلیل مستقیم بر پیدایش اصوات است که شکل تکمیلی آن سخن گفتن آدمی است. در این نظریه کمتر اختلاف است و همچنین پیدایش زبان را نمی توان با سخن گفتن کودک مقایسه کرد. برخی پژوهشگران گفته اند این دو مقوله (تکلم انسان و کودک) یا هم قابل قیاس نیستند؛ چون کودک در ابتدا با اصواتی مبهم حرف می زند و کم کم تکامل می یابد و او اصوات مختلف را از اطرافیان تقلید می کند در حالی که در ابتدای خلقت آدمی از کسی توان تقلید نداشته چون اولین انسانهای زمین بودند و زبان دیگری وجود نداشت و همچنین امکان ندارد بگوئیم پیدایش زبان بر اساس قانون ثابتی بوده اگرچه اکنون دارای قانون و نظم و انسجام خاصی است. اما سخن گفتن فطرت انسانی است و در طول دوران شکل و نظم یافته، قواعد صرفی و نحوی و اصولی، دلایل نشان دهنده قانون ثابت زبان است. پس در این صورت زبان به شکل صداهای مبهمی ظاهر شد و این اصوات ابتدایی و از یک بخش بود که به دو بخش و سپس سه بخش درآمد تا نیازهای انسان را بیان کند. و بعد از استقرار جامعه و دسته بندی نیازها شکل نهایی خود را گرفت. انسان در این مرحله فقط به نیازهای خود توجه داشت و یک زبان در میان همه انسانها رایج بود چون تعداد آنها محدود و کم بود. با افزایش انسانها و گروه بندی آنها زبان نیز به شعبه هایی تقسیم گردید اما زبانهای اولیه به عنوان مادر دیگر زبانها باقی ماند. به دنبال تعدد زبانها اختلاف لهجه ها پیش آمد. در قرن ۱۸ میلادی زبان تقسیم بندی شد این

تقسیم بندی بعد از سنسکریت اولیه توسط علماء انجام گرفت. با توجه به نزدیکی زبانها در اصول کلمات و قواعد ساختاری و شکل جملات دسته بندیها صورت گرفت. برای نمونه مکس مولر زبان را سه دسته کرد: هندی اروپایی، سامی حامی و تورانی. این سه دسته در اصل زبان فرزندان نوح (ع) سام و حام و یافت است که در سراسر زمین منتشر شدند و به این سه زبان سخن گفتند. اما زبان عربی جزء مجموعه زبان های سامی است که این زبانها با توجه به نقطه جغرافیایی به شمالی و جنوبی تقسیم می گردد. زبانهای شمالی: بابلی قدیم، آشوری، اکدی، عبری و فینیقی و آرامی و ... می باشد و جنوبی شامل عربی، یمن قدیم و حبشی و ... است. بر تمام زبانهای این مجموعه وحدتی خاص حاکم است که نشان دهنده وجوه اشتراکشان است.

بحث را در اینجا به اتمام می رسانم ان شاء الله در فرصتهای آتی به زبان عربی به عنوان یک زبان سامی می پردازم و امتیازات و وجوه اشتراک این زبان را با دیگر زبانهای خواهر خود بیابان می کنم.

منابع:

۱. آل یاسین، محمدحسین، الف-الاصداد فی اللغة، بغداد ۱۹۷۴ م.
- ب- أبحاث فی تاریخ العربیة و مصادرہا، بغداد ۱۹۹۶ م.
- ج- الدراسة اللغویة عند العرب، بیروت ۱۹۸۰ م.
۲. زیدان، جرجی، الفلسفة اللغویة و الألفاظ العربیة، قاهره ۱۹۶۳ م.
۳. سامری، ابراهیم، التطور اللغوی التاریخی، قاهره ۱۹۶۶ م.
۴. سیوطی، الاقتراح فی علم اصول النحو، حیدرآباد ۱۳۵۹ هـ.
۵. صادق الرافعی، مصطفی، تاریخ آداب العرب، قاهره ۱۹۴۰ م.
۶. عمر، احمد مختار، البحث اللغوی عند الهنود، بیروت ۱۹۷۲ م.
۷. وافی، علی عبدالواحد، نشأة اللغة عند الانسان والطفل، قاهره ۱۹۴۷ م.

زیرنویس:

۱. الخصائص ۱/ ۳۳۱.
۲. المزهر ۱/ ۸۷.
۳. مقدمة ابن خلدون ۴۸۲.
۴. الاقتراح، ۶-۷.
۵. المزهر ۱/ ۱۸۷.
۶. الفلسفة اللغویة، ص ۱۲۹-۱۳۰.
۷. برای اطلاعات بیشتر به تاریخ آداب العرب ۱/ ۴۹ مراجعه شود.
۸. الاقتراح، ص ۷.
۹. نشأة اللغة عند الانسان ص ۲۶ و بعد آن.
۱۰. دروس اللغة العربیة، ص ۵.